

دارد متوجه است از سازمان بین المللی درین قسمت همکاری خواست و در اثر آن مدیریت عمومی حفظ آثار عتیقه افغانستان بمشورۀ متخصصین یونسکو در حوزه کابل به ترمیم آبدات آغاز نمود .

ستوپه موسی لوگر که از لحاظ هنر معماری دارای استثنای آتی میباشد در قدم اول انتخاب گردید. همینکه ترمیم کاری شروع شد آهسته آهسته به شناسائی آبدۀ فائل گشینیم ونسبت به گذشته که در آن معلومات کافی موجود نبود یک یادداشت مکمل بدست آمد که طی این مقاله آنرا ذکر خواهیم داد. وعلاوه بر آن نتیجۀ بعضی مشاهدات را که از ستوپه های دیگر اطراف کابل بدست آمده است ضمیمۀ آن می کنیم. زیرا اینها با ستوپه های موسی لوگر و جوهر مشترک دارند. ستوپه های منطقه کابل پیش از عصر کنشکا نیستند که امپراطوری کوشانی را درین سرزمین تاسیس کرد. بدون شك در نیمۀ دوم قرن دوم میلادی میزیست آبادی ستوپه موسی لوگر به عصر هوشیکا که در مین شاه کوشانی است مطابقت میکند. میدانیم که این معابد بودائی از نمونه معابد هندی گرفته شده است که محتوی جعبه ای میباشد. لیکن علاوه بر آن بعضی اشیاء دیگر را نیز در داخل مواد ساختمانی معبد میگذاشتند مانند مسکوکات چنانچه در شروع قرن نوزده یک عسکر فراری انگلیسی بنام (شارل مسان) هفت سکه طلا را از ستوپه موسی لوگر ربوده بود .

ستوپه گلدره دارای پایه مربع شکل است که بالای پایه پودریوم مربع قرار دارد. در قسمت وسط نمای جنوب غربی آبدۀ یک زینه تعمیر گردیده است؛ بالای سکوی آن دو ساختمان استوانه ای که دومی آن کوچکتر است، آبار گردیده است از گنبدی که بالای استوانه یومی تعمیر گردیده بود اثری باقی نمانده است از میل و چتر (پارا سوال) آن چیزی بدست نیامد، اجزائی ازین معبد که قبلاً افتیده ممکن است زیر طبقات خاک قرار داشته باشد که باثر حفریات باستان شناسان شاید مکشوف گردد. تزئینات پایه معبد و استوانه آن بسبب ستونهای کورنننن میباشد که بالای

سرستون آن فاقد مسند مضاعف گیلوئی است. استوانهٔ دومی آن مزین بیک سلسله طاقهای کاذب است که متناوباً بطور نیم دایره و ذوزنقه می اند: در وسط سر جدار پایه (پودبوم) رواقهای همجواریده می شود که زمانی در آن مجسمه قرار داشت.

قسمت داخلی معبد کاملاً از یک توده سنگهای تهداب یا پخسه تعمیر و تشکیل شده است. در جدارها پارچه های سنگ ورقه (شیست) که دوالی چهار سانتی متر ضخامت دارد بکار رفته است همچنان درین جدارها سنگها از قسم سنگ تهداب که رخ برهنه آنها تراشی بافته بطور متناوب کار شده است که این را با سنان شناسان ساختمان رنگارنگ (macomerie diapre) نام گذاشته اند.

این ترتیب استعمال مواد در روی جدار طوریکه قبلاً فکر میشد هدف تزئیناتی نداشته زیرا جدارها ذیعهٔ یک ورق پلستر از گاه گل پوشانیده می شود با رنگ زرد و سرخ، رنگ آمیزی میگردید. آثار این پلستر در رواقها و بعضی قسمت های سرستون باقی مانده است، در ساختمان رنگارنگ و ظیفه کذب سنگها بخشیدن استحکام به سنگهای ورقه کار شده در جدار بوده است. از چینه های حالیه ستوپه اسکلیت آن باقی مانده شکل اصلی آن که بوسیله پلستر فهمیده می شود از بین رفته میدانیم که ستوپه هده با ستوپه شیوه کی که نزدیکه و سئی لو گراست و پلسترهای آن بشکل سنگهای ورق بفرص اتگا بکار رفته است مطابقی نمیکند: تزئیناتی که بشکل بر گهای آکا (۱۲) در قسمت سر ستونها بعمل آمده است هیچ تناسبی با سنگهای ورقه که بفرض استخوان بندی سر ستون بکار رفته است ندارد. مهند سین بودائی بدون نقشه و پلان آبدیه تعمیر نمیکردند بلکه تناسبهای یک ستوپه از روی قاعده و بعد سنجش شده واحد های آن قبلاً معین میگردید: از روی اندازه گیری ابعاد ستوپه موسئی لو گراست و تناسب واحد های آنرا معلوم کرد ارتفاع آبدیه الی راس گنبد (به استثنای دیر ک آن) مساوی بود بفرض مجموعی

(*) برگه نباتی است که در تزئینات هنر یونانی دیده می شود.

قاعده‌ها اندازه آن از سطح زمین ۱۵،۶۵ متر می باشد، این طول مطابقت به پنجاهفت می کند.

مسیو فوشه نگاشته است که ستوپه یک بنای خاص هندیست اما قدیم ترین نمونه آن است که در هند مشاهده می شود: در بین ستوپه های عصر کوشانی نمیتوان سراغ کرد. مثلاً بین ستوپه سانچی و هوسئی او گر فرقی قابل ملاحظه از لحاظ شکل موجود است. به عصر آشور کا گنبد بروی یک سکوی وسیع تعمیر می گردد که سکوی مذکور بفرس طواف دور ادور گنبد ساخته می شد و ممکن است فاصله باریکی (۰،۸۷) بین استوانه اول و ضلع سکو وجود داشته باشد. در تمام آبدان هنری گندها را اختلاطی دیده می شود یعنی از لحاظ شکل از هند ریته گرفته و از لحاظ موتیف از هنر یونانی اثر گرفته است در قدم اول - و اشی زواقهای دور کنگره اطاق را تذکار باید داد: بزیر که آنها طاقچه های هلالی کامل و طاق های کاذب ذوزنقه ئی و طبل زیرین تخت دار میباشد چیزی که در قسمت دوم بیشتر خصوصیت دارد هما تا بزرگی بر *moulure* است که با سنگ کرسی ستون رامزین ساخته است نیم رخ آن عبارت از دو لبلوله است که غایت را از پایه ستون جدا می کند بیک پیمانه کوچک چنین نیم رخ در پای ستون مستطیل تخت بار دیگر مشاهده می کنیم پایه های دیگر از یک لبلوله تشکیل شده که در بالای پر کر نیز قرار دارد. پیر بر نه ها هنریست اختلاطی که از هنر کشور های دیگر بعاریت گرفته شده است.

در بین فاصله بین دو خط، خط گچ بری سر استون ایو *Ionique* تشخیص می شود گیلوئی آن که فاقد کرنیز است قلمکاری (کورینت) می باشد که از پائین به بالادارای یک لبلوله و یک پرو کرنیز و مقطع یک خط نیم رخ میباشد.

آبرو گیلوئی توسط دو پارچه سنگ ورقه ضخیم که بالای یگدگر قرار دارد تشکیل می شود. بسیار مشکل است قبول شود که تزئینات معماری آن که محصول یک محول منزوی و خارج از همه مؤثرات حوزه مدیترانه و یادقیق در دومی باشد

از اجزاء هنر بونانی استنطاق یافته باشد. تزئینات معماری که بالای ستوپه و پیلسترهای آن کار شده بکلی غرض هنری داشته است و به صبغه معماری رومی تعمیر گردیده است. همچنین از لحاظ شکل تعمیر می که بدنه آن از سنگ و گل پر شده است مجموعه طول اضلاع را پوشیدیم، نامیدیم. یعنی تخت بزرگ مربع آن که حیثیت پایه بنای آبدار دارد. زیرا این تخت یا کرسی بنا عیناً پوشیده می آید در رومن های کلاسیک را بیاد می آورد.

استعمال قاعده کورینتین Corinthien و اضلاع اتیک به این ترتیب که فاقد کچالک و کرنیزها باشد از اشکال معماری مروجه رومی است مقصود ما درین جا دریافت تاثیرات نیست بلکه تناسب های معماری قلمرو رومی را اشاره نموده برای آنها نمیکه قبلاً در باره هیکل تراشی گذشتها را مطالعاتی کرده اند نکته را تذکر می دهیم:

ستوپه شیوه کی

ستوپه شیوه کی بآن طرف نشیب کوه واقع است. این معد بعضی معلوم است. مکمله را در باره این نوع بنا بمانند و به انسان اجازه میدهد که از مقایسه بعضی قسمت هائی که از ستوپه موسی لوگر از بین رفته است، ستوپه شیوه کی در ترمیم و اعمار مجدد ستوپه موسی لوگر اقدام کنیم. گنبد اخیر الذکر کاملاً از بین رفته است، در حقیقت در ستوپه شیوه کی کاملاً محفوظ باقی مانده است در عوض تا مبور اولی Tambour (۱) از بین رفته و به نظر میرسد که سکوی آن کاملاً تخریب شده باشد. از قطب عمودی گنبد شیوه کی معلوم می شود که قوس آن دارای طاقی مکمل بوده باشد. این گنبد از شکل بیضوی گنبد هائی که به عصر اشوکا تعمیر گردیده انحراف می ورزد. ستوپه شیوه کی در این خصوصاً اگر از روی تجسمان صحنه های هیکل تراشی های سارنجی قضاوت شود در رأس قبه ضائع شده. آن جدار های عمودی یک خالیگاه به شاهد می رسد

که برای نصب دیرك چتر بیشتر از اندازه لازم کلان است و ضلع دیرگ به گنبد فرورفته است.

این خالیگاه بدون شك بغرض گذاشتن جعبه و یا بیشکشی‌ها اختصاص یافته بود. شارل مسان، که بسا ستوپه‌ها را کشف و کاوش نموده است اظهار کرده که جعبه و بیشکشی‌ها از دیرك رأس گنبد بکثرت وجود داشتند. در قاعده گنبد که یکی بطرف شمال غرب واقع است در منتهای فوقانی استوانه‌دومی در نقطه که باستقامت شمال غرب واقع است آثار يك طاقچه سه قوسه دیده می‌شود اگر از این طاقچه خطی شاقولی باشد و استوپه کشیده شود، این خط با نقطه آغاز زینه‌ای که از پودوم به زمین پائین می‌شود تصادف می‌کند. برخلاف استوپه موسی لوگر گنبد معبد شیوه کی از مواد مختلف ساخته شده است. بلکه از پارچه‌های سنگ ورقه تعمیر گردیده است. استوانه‌دومی مزین به ستون مربع شکل است که به دیواره معبد چسبیده و دارای قوسهای هلالی مکمل می‌باشد بواسطه (Sv rabaque) فرق سر ستونهای طویل کمی از اندازه تجا وز کرده است که (سوراكها) در استوپه موسی لوگر و توپ دره دیده نمی‌شود.

این استوپه از گل پوشیده شده است بلکه گچ ساخت و چگونه روی آن کار شده است. يك تیم رخ بالای ۶ ستون، بایك سر ستون پلینه مربع دارای بر گهای اكانت در خالیگاهها هنوز باقی مانده است. بین هر دو قوس‌های مجاور موئیف‌های مرکب دو ك نما بیک گلوله کروی ختم می‌شود. اجزای مشابه آن را در موسی لوگر مینوان دریافت کرد.

ستوپه توپ دره

ستوپه توپ دره در يك دره کوچکی واقع شده که از چاریکار بسیار دور نیست پیش از آنکه به سه کیلومتری قصبه میرسیم این معبد از دور نمایان می‌شود مانند ستوپه شیوه کی قسمت زیاد گنبد ستوپه توپ دره محفوظ باقی مانده است. بنظر می‌رسد که شکل آن از آن هوی دگر کمی متفاوت یعنی بیضوی بوده است از لحاظ نخریباتیکه این آبداء منحل شده به ستوپه شیوه کی شباهت دارد. نخریب پلستر گنبد

واستوانه دومی آن هنوز دوام دارد، درین معبد طاقچه سه لبه که در خط محور اساسی
 قرار گرفته نسبت به شیوه کی خوبتر محفوظ مانده است لبه هر کزی آن عمیق تر
 و نسبت به لبهای جنبی يك قوس وسیع تر دارد، يك قوس مکمل هلالی بالای آنرا
 دربر گرفته است که از طاقچه های جنبی بوسیله دو ستون کوچک کوبه نیتن از هم
 جدا می شود. استوانه از رواقهای کاذب که دارای ستون مربع است زینت یافته
 قوسهای آن بدون وساطت سر ستون مستقیماً بالای سر ستون واقع شده است که
 هلالهای مکمل آن نسبتاً بلند است یکی ازین قوس ها بقسم يك طاقچه کننده شده
 و پلان آن نیم دایره میباشد و بدون شك سه قوس دیگر بالای محیط استوانه
 قرار داده شده است مرتب آن که بین دو قوس مجاور واقع است عبارتست از يك نیم
 ستون کوچک دارای ستون از نوع هندو فارس، که شکل آن به قسمت بالائی منار
 چکری شباهت بهم میرساند. ساختمان ستوپه از ساختمان رنگا رنگ موسمی
 لوگر بسیار فرق دارد. استوانه آن کاملاً محفوظ مانده ازور قها پوشیده است.
 در گنبد سنگ های مهم جا جا کار شده اما اینها به شکل طولانی و متداخل بکار رفته است
 گاهی فکر میشود که تمام این ستوپه ها معاصر هم باشند لیکن از لحاظ شکل اشکال، ساختمانی
 مختلف دارند ازین لحاظ در قضاوت آنها احتیاط باید کرد.

حفریات آینده تاریخ های ستوپه ها را روشن خواهد کرد اما فرا موش نباید کرد
 که جعبه ستوپه توپ دره هنوز کشف نگردیده است.

الکسا ندرلیزین